



باید خود را آماده تحمل مشقت کنیم/ از دنیا توقع آرامش نداشته باشید

متن زیر نکاتی از سخنرانی ۲۸ اردیبهشت ماه آیت الله مرتضی تهرانی است که در مورد آیه «و تُرِيدُ أَنْ تَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ تَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ تَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» بحث شده است.

متن زیر نکاتی از سخنرانی ۲۸ اردیبهشت ماه آیت الله مرتضی تهرانی است که در مورد آیه «و تُرِيدُ أَنْ تَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ تَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ تَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» بحث شده است.

اهل بیت و شیعیان ایشان، مصداق کامل مستضعفین

این آیه و شریفه از سوره و مبارکه و قصص، مشتمل بر نوید و مژده و بزرگی به موحدین و خداپرستانی است که در زندگانی دنیایی خود ارتباط با حق و تعالی را بر هر چیز دیگری ترجیح داده وند. خدای متعال در این آیه و شریفه وقایعی که برای بنی و اسرائیل رخ داده است را برای پیامبر خود بیان می و کند. یکی از مصادیق کوچک این آیه و شریفه بنی و اسرائیل هستند که در گذشته و زیر فشار ظلم فرعون بودند، اما مورد منت حق و تعالی قرار گرفتند و آن و ها را حاکم و وارث در زمین قرار داد.

مصداق کامل و بزرگ آن شیعیان امیرالمؤمنین صلوات و الله و علیه در این زمان هستند، که استضعاف آن و ها، و تحت فشار بودن متدینین واقعی بسیار زیاد است. در این زمان، حفظ دین به طور کامل و همراه با تقوا، به تعبیر روایات، مانند نگاه داشتن آتش در کف دست است. اگر کسی تصور کند که مؤمن واقعی است در حالی که هیچ ناراحتی و فشاری به دلیل دین و داری، متوجه او نشده، یقین کند که در دین و داری نقطه و ضعیفی دارد. دین و داری بدون تحمل فشار از بیرون، امکان ندارد.

طبق روایت، اهل بیت صلوات و الله و علیه و اجمعین مستضعفین واقعی و کامل و مصداق اتم آیه شریفه هستند. آن بزرگواران و شیعیان و شان در دنیای امروز تحت فشار و اذیت و قرار گرفته وند. این تصور باطل است که هم می و توان از دنیا در حد کامل بهره و برداری کرد و هم دین را در حد کامل در دست خود نگاه داشت، به گونه و ای که در قیامت هم و نشین با اولیای خدا و حضرت سلمان و حضرت اباذر رضوان و الله و تعالی و علیه و بود. از سنت غیر قابل تبدیل خدای متعال این است که اولیاء و دوستان او در هر زمان در اقلیت و تحت فشار دشمنان خدا و ظالمین بوده وند. این سنت در زمان پیامبران گذشته ساری و جاری بوده، و در این زمان نیز ساری و جاری است. نیکان واقعی که در اقلیت و هستند، واقعاً تحت اذیت و فشار قرار دارند، ولی اگر آخرت و مقامات اخروی و رضوان الله را بخواهند، حتما باید صبر کنند.

این مژده در این آیه و کریمه بیش از هر کس شامل حال این امت است. دو فعل مضارع در صدر آیه و ی کریمه دلالت بر استمرار این امتنان و منت بر اولیای خدا از سوی حق و تعالی دارد و ذکر شدن به صیغه و ی مضارع، بهترین دلیل برای این است که زمان آینده را هم شامل می و شود. انسانی که با خدای متعال رابطه برقرار کرده، و اهل یقین شده است، یقین دارد خدای متعال وجود دارد، قیامت وجود دارد، این انسان در ظاهر مستضعف است، یعنی به ضعف و ناتوانی کشیده شده است و همه و ی کارهای مورد نظر او، به سختی انجام می و گیرد. این مستضعف باید به یاد این آیه و کریمه بیافتد که اگر ایمان و تقوای خود را به طور کامل حفظ کند و به خود اجازه و تخلف از دستورات دین را ندهد، مورد منت حق و تعالی قرار می و گیرد. آن مژده و ی آخر، که چنین انسانی پیشوا و وارث می و شود و از آن و چه که خدای متعال از نعمت و ها در زمین قرار داده است بهره و برداری می و کند، مربوط به زمان ظهور حضرت بقیه الله ارواحنا لله و الفدا است.

این نعمت بزرگی که خدای متعال به این مردم عطا کرده، به برکت ارادت و محبت و هایی است که به اهل بیت عصمت و طهارت صلوات و الله و علیه و اجمعین به خصوص ابی و عیسی و صلوات و الله و علیه دارند. ولی این کمال امتنان نیست، کمال امتنان بعد از ظهور آن بزرگوار است. امامت و راه و نما بودن، رهبر بودن برای آن بزرگوار و اجداد آن بزرگوار بعد از ظهور آن بزرگوار است. طبق روایات، وارث زمین و نعمت و های حق و تعالی شدن، بعد از ظهور است که در آن زمان با برکت، زمین آن و چه را از نعمت و های الهی دارد از خود خارج می و کند، و دیگر لازم نیست که حفاری کنند تا به یک جای پر قیمتی برسند. بهترین آب و ها از زمین خارج می و شود، بهترین نعمت و ها از زمین خارج می و شود،

خدای متعال رحمت واسعه و ی خود را از آسمان در بهترین اوقات نازل می‌کند که مردم بالاترین بهره را از آن ببرند.

رسیدن به آن زمان هم دو قسم است، روایت داریم که در آن زمان، بهترین‌ها و بدترین‌ها از مصادیق رجعت قرار می‌گیرند و حق‌تعالی آن‌ها را برمی‌گرداند. بهترین‌ها برای این‌که به صورت کامل از نعمت‌های دنیایی حق‌تعالی استفاده کنند، بدترین‌ها هم برای این‌که عاقبت و کفر کامل دنیوی از سوی حجت خدا و یاران او ببینند. البته حساب آخرت و قیامت جدا است.

تحمل سختی‌ها و مشکلات توسط اولیاء الهی و مومنین

انبیاء خدا و ائمه و طاهرين صلوات‍الله‍عليهم‍اجمعين، همه همين وضع را داشته‍اند و بدترين مشقت‍هاى ممكن را در اين دنيا تحمل کرده‍اند. در روايات آمده است که مقام رسالت فرمودند: «ما أودَى نَبِيٌّ مِثْلَ ما أوديت‍، اين فرمايش عجيب است، در حالى که ما مى‍دانيم که حضرت زکريا را در درخت با اره به دو نيم کردند و حضرت يحيى را در بالای کوه سر بریدند. هيچک از اين بزرگواران از يک آرامش نسبى مانند مردم عادى برخوردار نبوده است. حضرت بقیة‍الله ارواحنا‍الفدا بر حسب روايات، خطاب به جد بزرگوار خود عرض مى‍کند من صبح و عصر، بر شما گريه مى‍کنم و اگر اشک چشم من تمام شود، برای شما خون گريه مى‍کنم.

با توجه به این آیه و شریفه، ما اگر آرزو داریم که مؤمن به حق و تعالی و دین مقدس اسلام و ولایت اهل بیت صلوات و الله و علیهم باشیم، باید خود را آماده و تحمل مشقت کنیم، و از این دنیا آرزو و توقع راحتی و آرامش نداشته باشیم و در عین حال به وظیفه و خود هم باید عمل کنیم. در قرآن کریم خدای متعال می‌فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ**؛ ای مؤمنین، شما قطعاً باید چهار چیز را رعایت کنید تا امید این باشد که رستگار شوید، **وَلَعَلَّكُمْ تَفْلَحُونَ**؛

اگر کسی قرآن کریم را تلاوت کند و ترجمه و آیات کریمه و ی قرآنی و تفاسیر فارسی را هم مطالعه کند، درمی یابد که در صدر اسلام پیامبر بزرگوار و اولیای خدا صلوات و الله و علیهم صدمات بسیاری هم به لحاظ جسمانی و هم به لحاظ باطنی خورده و اند. یعنی از هر جهت تحمل فشار می کردند. در جنگ احد شاید در حدود نود زخم به بدن مقدس حضرت وارد شده بود. هنگامی که اهل مکه دعوت ایشان به توحید را قبول نکردند ایشان به مدت یک ماه از مکه به طائف تشریف بردند. هنگام خروج از طائف، از شدت ضربات سنگ به پای مبارک ایشان، پوست ساق پای مبارک از بین رفته و استخوان پا نمایان شده و کفش پر از خون شده بود، اما حضرت شکایتی نکرد. تنها یک کارگر باغیان در بیرون طائف، فرمایشات ایشان را شنید و اسلام اختیار کرد.

ظرف زمان عوض شده، ولی شرایط زمان عوض نشده است و الان هم آن مشکلات وجود دارد. **فرعون سخت** و **ترین** کارها را بر بنی و **اسرائیل** تحمیل می و کرد و **تدریجاً** جان آن و **ها** را می و گرفت. در صدر اسلام عده و ای برای نجات از آن شریط دشوار به حبشه رفتند. آن و **هایی** که سه-چهار سال در شعب ابی و طالب بودند، با گرسنگی روزگار می و گذراندند، بعضی و **ها** در همان ایام از دنیا رفتند. حضرت خدیجه سلام و **الله** و **علیها** که ثروتمندترین مردم بود تمام ثروت خود را در راه اسلام و راه رضای خدا و راه آشنا شدن مردم با خدای متعال خرج کرد. نوشته و **اند** این خانم از دنیا رفت، در حالی که از دارایی او جز یک پوست گوسفند که بر انداز ایشان بود چیزی باقی نمانده بود.

مصلحت حق&znwj; در تعالی در ایجاد شرایط دشوار در دنیا برای مومنین

شیعیان این بزرگواران هم گرفتار همین مشکلات با شدت کمتری هستند و اگر چنین نباشد شیعه نیستند. ما دقیقاً نمی‌دانیم فلسفه‌ی این امر و مصلحت حق‌&zwjz; و تعالی چیست که ارادتمندان و مؤمنین به خود و موحدین و خداپرست‌&zwjz;‌ها باید دنیا را این‌گونه بگذرانند. تنها او عالم است. عده‌&zwjz;‌ای در زمان حضرت مجتبی صلوات‌&zwjz;‌الله‌&zwjz;‌علیه ایشان را تحت فشار قرار دادند که شما اگر خود را بر حق می‌&zwjz;‌دانید چرا حرکت نمی‌&zwjz;‌کنید تا در شام با معاویه بجنگید؟ ایشان حرکت کرد و تا مدائن تشریف برد. هنگام شب در مدائن نامه‌&zwjz;‌ی معاویه به دست ایشان رسید. او نوشته بود که اطرافیان شما، از همان پیرمردها و منافقین، به من نامه نوشته‌&zwjz;‌اند که به زودی حسن‌&zwjz;‌بن‌&zwjz;‌علی صلوات‌&zwjz;‌الله‌&zwjz;‌علیه را دست بسته تحویل تو می‌&zwjz;‌دهیم.

ایشان بعد از نماز عشا خطاب به همان افرادی که در صف جماعت حاضر بودند به طور کلی به این موضوع اشاره فرمود. آن بزرگوار هنگام نماز صبح در یک خطبه؛zwj&ی مفصل؛zwj&تری، مطالب را روشن؛zwj&تر بیان فرمود، که من مصلحت نمی؛zwj&بینم که ما به شام برویم و با معاویه بجنگیم، و از همین؛zwj&جا برمی؛zwj&گردیم. در آن؛zwj&جا همان نویسندگان نامه به معاویه، به حضرت توهین کردند، و آن وجود مقدس را؛zwj&مذلل المؤمنین؛zwj& خطاب کردند.

محدث قمی نوشته است که ایشان سوار بر مرکب شده بود که برگردد، ضربت خنجر به ران ایشان زدند و نوک خنجر به استخوان ران رسید، اما هیچ نگفت و شکایتی نکرد. چون این بزرگوار مصمم بود که بنده؛zwj&ی خدای متعال باشد و هر چه دارد در راه حق؛zwj&تعالی و رضای او خرج کند. دو بار به این بزرگوار زهر دادند، اما به حرم جدش صلی؛zwj&الله؛zwj&علیه؛zwj&وآله مشرف شد، و استشفای از آن حضرت کرد که از خدای متعال برای او شفا بگیرد. بار سوم که حضرت مسموم شد، نزدیکان از ایشان درخواست کردند که مجدداً متوسل به جد بزرگوار خود شود، اما حضرت فرمود که این؛zwj&بار امکان شفا وجود ندارد.

رمزی در اسلام و احکام اسلام و مسائل اسلامی و مسلمین وجود دارد که متدینین غالباً نمی؛zwj&دانند. درخواست حضرت مجتبی صلوات؛zwj&الله؛zwj&علیه از جد بزرگوارش که برای این بزرگوار از خدای متعال شفا بگیرد، مباح است. اما ایشان در بار سوم چنین نکرد. ما فلسفه؛zwj&ی آن را نمی؛zwj&دانیم. طلبه؛zwj&ی عربی که برای سه حاجت خود به حضرت بقیة؛zwj&الله ارواحنا له الفدا؛zwj&متوسل شده بود، در شب چهلیم موفق به زیارت حضرت در مسجد کوفه شد. او به حضرت قهوه تعارف کرد. حضرت قهوه را که با لبهای مبارک ایشان تماس پیدا کرده بود به آن طلبه دادند که بخورد و فرمودند که با خوردن این قهوه بیماری سل سینه؛zwj&ی تو برطرف می؛zwj&شود. حاجت دوم تو هم که رسیدن به آن موردی است که به او علاقه پیدا کرده؛zwj&ای، برآورده می؛zwj&شود، اما مشکل سوم تو که فقر است تا پایان عمر برطرف نخواهد شد.

بعضی از مردم به لحاظ روزی همواره در تنگنا قرار دارند. اما ما نمی؛zwj&دانیم با گشایش در این امر، ارتباط ما با حق؛zwj&تعالی چگونه خواهد بود.؛zwj&ما أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ؛zwj&. امر خوبی مانند حضور در این؛zwj&گونه مجالس از سوی حق؛zwj&تعالی است،؛zwj&فَمِنَ اللَّهِ؛zwj&. پس باید شکرگزار باشیم. ما افرادی را در اطراف خود دیده؛zwj&ایم که پس از رشد در امور مالی، خدای متعال و پیامبر او و نعمت؛zwj&های او را منکر شده؛zwj&اند.؛zwj&اللَّهُمَّ لَا تَكِلْنَا إِلَى أَنْفُسِنَا طَرَفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا؛zwj&. ما باید باور داشته باشیم که توان حفظ خود و توان حفظ دین؛zwj&خود و اعتقادات خود را نداریم. هر چه خیر است از سوی او است.

عدم استفاده سیدالشهداء از معجزه برای دفع دشمنان خدای متعال

سیدالشهداء صلوات؛zwj&الله؛zwj&علیه بعد از برادر بزرگوارش ده سال خانه؛zwj&نشین بود. خلاف؛zwj&ها، گناه؛zwj&ها، ظلم؛zwj&ها، مفاصد روز به روز زیادتیر می؛zwj&شد. ایشان حجت خدا است، اما قرار نیست که با کرامت و معجزه مشکلات را حل کند. کشتن یزید با معجزه مردم را به سرنوشت بنی؛zwj&اسرائیل مبتلا می؛zwj&کند. بنی؛zwj&اسرائیل با دیدن معجزه؛zwj&ی حضرت موسی و غرق شدن فرعون در آب، به آن حضرت عرض کردند:؛zwj&فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ؛zwj&. اگر این بزرگواران با کرامت پیش می؛zwj&رفتند، و دشمنان خدا را از بین می؛zwj&بردند، یک متدین واقعی باقی نمی؛zwj&ماند، و همه گستاخ می؛zwj&شدند و طغیان می؛zwj&کردند. خدای متعال آدم علی؛zwj&بنی؛zwj&نابینا و آله؛zwj&وعلیه؛zwj&السلام را خلق فرمود که در روی زمین خلیفه و جانشین داشته باشد. به وجود آمدن خلیفة الله بسیار پرهزینه است.

پس از این؛zwj&که معاویه به درک واصل شد، یزید بدون توجه به وصیت؛zwj&نامه؛zwj&ی پدرش، به استاندار مدینه نامه نوشت که از پسر پیامبر صلوات؛zwj&الله؛zwj&علیه برای من بیعت و رأی موافق بگیر. او هم سیدالشهداء صلوات؛zwj&الله؛zwj&علیه را فراخواند. غیب و حضور برای این بزرگان یکی است و پشت دیوار هم شهود است. این امر منحصر به این چهارده بزرگوار نیست. اگر کسی با شرایط خود بتواند سلمان بشود، او هم همین؛zwj&گونه است. سلمان از آن کسی که بالای قبرش می؛zwj&آید و برای او فاتحه می؛zwj&خواند، آگاه است. سنخ آگاهی سلمان از سنخ آگاهی اولیای خدا است. از خدای متعال بخواهیم که حلاوت و شیرینی ذکر و یاد خود را به ذائقه؛zwj&ی ما بچشاند، آن؛zwj&گاه خود ما غیر خدا را یک؛zwj&یک کنار می؛zwj&گذاریم.

حضرت به جوانان بنی؛zwj&هاشم فرمودند که من را احضار کرده؛zwj&اند، شما با شمشیر آماده پشت درب منتظر

باشید و با شنیدن صدای من وارد شوید. مروان&بن; حکم هم آن&جا حضور داشت. آن&ها پیغام یزید را به حضرت رساندند. حضرت فرمود که یزید انسانی فاسق، ظالم و قاتل است و شرب خمر می&کند. شخصی مانند من هرگز با امثال او دست موافق نمی&دهد. «مثلی لایبایع یمثله».

مروان منتظر بود که استاندار اجازه بدهد و به حضرت حمله کند و ایشان را به شهادت برساند. اما حضرت صدای خود را بلند کرد و جوانان بنی&هاشم داخل آمدند. مروان مجدداً ایشان را در مسیر زیارت کرد، و عرض کرد که من خیر شما را می&خواهم. برای اینکه شما زندگی آرامی مطابق میل خود داشته باشید و به عبادات خود بپردازید، با یزید بیعت کنید. حضرت به او فرمود که من در این مورد فکر می&کنم. آن بزرگوار نیمه&ی همان شب مدینه را ترک کرد.